

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

سرگئی میرونیوچ کیروف - (Sergey Mironovich Kirov)

برگردان از: ا. م. شیر

۱۹ اکتوبر ۲۰۱۴

لنین و طبقه کارگر

رفقاء! شما می دانید صحبت از زندگی لنین جاودانه – در واقع به معنای صحبت از حیات و نهضت پرولتاریای روسیه است. تمام زندگی ولادیمیر ایلیچ با سرنوشت جنبش کارگری روسیه پیوند خورده است.

درست ۵۴ سال پیش از این در کناره رود بزرگ روسیه انسانی دیده به جهان گشود، که محکوم به تکان دادن جهان بود. در همین زمان نیز طبقه کارگر روسیه، آغازگر انقلاب پیروز جهانی پا به عرصه وجود گذاشت.

لنین، رهبر پرولتاریای جهان را خیلی زود شناخت. او از همان ابتدای جوانی با همان ایده زندگی کرد و همه عمر خود را در راه آن صرف نمود.

ماریا ایلیچینا خاطره جالبی از آن زمانی دارد که برادر بزرگ لنین تیرباران گردید و این حادثه، لنین را تکان داد. اما نه به آن دلیل که برادر بزرگش بود. او اشتباه فعالتهای حزب «حاکمیت خلق» را، حزبی که برادر معدوم او به آن تعلق داشت، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در هر حال، این اعدام نمی توانست در شکلگیری جهان بینی لنین اثرگذار نباشد. در حین اطلاع از این حادثه او گفت: «نه، ما در این راه گام برنخواهیم داشت. به چنین راهی نباید رفت».

در آن هنگام او توجه خود را بر روی روشهای دیگر مبارزه انقلابی متمرکز نمود. لنین در ۲۵ سالگی مارکس را به قدری می شناخت که ما تا کنون هم نمی شناسیم.

بشارت دهنده انقلاب پرولتری

دیگر زمانی که مسیر و نتیجه مبارزه برای وی روشن بود- لنین گفت، که فقط با تصرف قدرت سیاسی به وسیله پرولتاریای انقلابی ساختمان جامعه انسانی بر پایه های نوین، کمونیستی آغاز می شود. اما ۳۰ سال قبل از این، هنوز کسی چنین تصور نمی کرد و زمانی که اولین کتاب لنین انتشار یافت، برای بسیاری ها روشن شد، که او در آینده همه توان فکری گسترده خود را به کار خواهد گرفت.

از آن زمان به بعد، لنین جست و جوی اصول و روشهای دیگر مبارزه انقلابی را آغاز کرد. او یک نابغه بود. نبوغ او در بهره گیری از قدرت اراده بود. او بی نظیر بود.

لنین راه خود را «ساده» طی نکرد. ارزیابی او از اطرافیان خود بی رحمانه بود. به تدریج او به جایگاه رهبری پرولتاریای جهان صعود کرد. اگر تاریخ حزب را مرور کنیم، معلوم می شود، که او چگونه به اتوریته تبدیل گردید.

مارکس و لنین:

او مارکس را با تمام وجودش می شناخت، همواره به آموزه های دانشمند بزرگ رجوع می کرد و توان و کشفیات خود را با آنها کمال می بخشید. او پیرو بزرگ مارکس بود. مارکس و لنین یک دوره کامل با همدیگر فاصله داشتند. مبارزه با سرمایه در دوره مارکس شکل گرفت. لنین در دوره فراروئی پرولتاری انقلابی به طبقه می زیست. لنین آموزه های مارکس را تکامل بخشید. در انطباق مارکسیسم او وسعت طبیعت روسی را با عملگرایی امریکائی تلفیق نمود.

نظریه پرداز و عملگرا

زمانی که لنین خلق ۱۵۰ میلیونی را رهبری می کرد، عمل او باعث شد ویژگی های دهقانان را بشناسد. انطباق نظریه علمی با عمل انقلابی، او را به یک انقلابی بزرگ و خارق العاده ای که جهان به خود ندیده بود، بدل کرد. لنین مراحل رشد سرمایه داری در روسیه را به خوبی می شناخت. او توجه خود را بر روی توده نچندان بزرگ پرولتاریا و انبوه عظیم دهقانان متمرکز نمود. در سال ۱۹۰۵، زمانی که بسیاری از ماها از انقلاب بورژوائی سرگیزه گرفته بودیم، لنین مسأله دهقانان را به طور واضح مطرح ساخت، ما تازه فهمیدم، که باید دولت کارگران و دهقانان ایجاد کنیم. لزوم اتحاد کارگران و دهقانان در شعور ما شکل گرفت. لنین لحظه ای تردید به خود راه نداد، که تنها کارگران می توانند حامل واقعی سوسیالیسم باشند، همراه با آن، او به این نتیجه گیری رسید، که چون پرولتاریا به تنهایی نمی تواند انقلاب را به سرانجام برساند، برای تحقق کامل آن به اتحاد با دهقانان نیاز دارد.

لنین و شرق

در خصوص فعالیتهای لنین لازم به تأکید است، که او توجه خاصی به ملل ستمدیده شرق داشت. لنین در خصوص مسأله ملتهای ستمدیده نیز همچون سایر عرصه های زندگی اجتماعی، راه ما را روشنی بخشید. اگر انسان روس لنین را پدر خود می نامد، انسانهای زرد، سیاه و همه نژادها نیز به حق او را پدر خود می خوانند. او ارتش بزرگ شرق را در مقیاس مبارزه جهانی برای سوسیالیسم به حساب می آورد. ما در کشورهای شرق، آنجا که سرمایه داری رشد خود را تازه آغاز کرده است، شاهد نهضتهای عظیم توده ئی هستیم. فقط لنین نابغه می توانست پیش بینی نماید، که شرق می تواند انقلابی باشد. خود این نیز یکی دیگر از بزرگترین خدمات اوست.

جنگ امپریالیستی و انقلاب

همه کسانی که لنین را می شناسند، بدروستی بر این واقعیت صحنه می گذارند، که جنگ امپریالیستی در تکامل جهان بینی او بشدت مؤثر بود. درست در همان حال که سوسیال-سازشکارانی مانند هیلفردینگ، کائوتسکی و دیگران تأکید می کردند، که جنگ عملاً دوره جدیدی را برای استقرار دموکراسی به دنبال خود می آورد. تنها ولادیمیر ایلیچ لنین نگاه عمیقاً منفی به این قصابی نکوهیده داشت. او مشخصاً گفت که سرمایه داری می خواهد نهضتهای انقلابی کارگران اروپا را در خون غرق سازد. در آن هنگام، صدای او تنها بود. اما در زیروالد او هم آوایان خود را یافت. ماهیت این جنگ را هیچ کسی مثل لنین افشاء نکرد. او تمامی مساعی خود را به کار برد تا این جنگ، آخرین جنگ باشد. او می گفت: «اگر جهان نوک سرنیزه های خود را به سوی ستمگران برنگرداند، نابود خواهد شد».

از این گفته مو بر تن منشویکها سیخ می شد. اما هیچ مانعی نمی توانست در مقابل اراده لنین دوام بیاورد. اکنون ما شاهدیم، که تاکتیک خارق العاده او ثمربخش بوده است. با استنتاج از بحثهای منشویکی، لنین می گفت، که در هنگام

تصرف قدرت به وسیلهٔ پرولتاریا منشویکها در سنگر مقابل موضع خواهند گرفت. او اشتباه نکرد. افسانهٔ شنیع طلای المان، قطار مهر و موم شده و غیره درست همانوقت جعل شد. اما لنین به طور پایدار و پیگیر نظریات خود را علیه جنگ پرورش داد و خلق کرد آنچه را که انترناسیونال سوم نامیده می شود.

لنین - سازمانگر حزب

تاریخ حزب ما، تاریخ زندگی و فعالیت لنین است. او نبوغ خود را در کار تشکیل حزب کمونیست روسیه (بلشویک) به مثابهٔ یک سازمانگر توانا نشان داد. دشمنان ما با اذعان به ذهن روشن لنین، قدرت سازمانگری او را نادیده می گیرند. پیش بینی داهیان، توان عظیم و پایداری او در مبارزه با اپورتونیسم، امکان تشکیل بزرگترین حزب جهان را برای وی فراهم آورد. دشمنان ما در آن سوی مرزها بسیار خوب می دانند، که سازمانگر ما سرسخت ترین دشمن آنهاست. در میان اعضای حزب ما شخصیتهای برجسته بسیار بودند و هستند. اما هیچ کدام از آنها مثل لنین نبودند و نمی توانند باشند. او اعتبار عظیمی برای حزب ما به ارمغان آورد.

زمانی فرا می رسد که آرشیوهای کارهای خارق العادهٔ لنین به روی همه باز می شود. به جز اینها، اسناد دیگری هم دال بر این که لنین یک ناجی بزرگ بود، وجود دارند. او جنگ امپریالیستی و انقلاب فبروری را پیش بینی کرد. زمانی که ماه فبروری فرارسید، لنین نوشت، که این انقلاب، انقلاب دیگری را در پی خواهد آورد که به رویارویی کارگران و دهقانان با سرمایه انگلیس و فرانسوی منجر خواهد گردید. می توان گفت، مطالعه و بررسی جنبش انقلابی جهان، به معنای مطالعه و بررسی خود لنین است.

انسان و رفیق

می خواهم چند کلامی در بارهٔ لنین به مثابهٔ انسان بگویم. هیچ کدام از ما انسان معتقدتر از او را سراغ نداریم. او یک انسانه همه سویه بود. او کلید ورود به قلب هر کدام از ما را داشت. همه اعضای حزب به خوش مشربی او واقف بودند.

در جمع رفقاء او همه را به وضوح می دید، ولی چنان نمی نمود. او همیشه در دسترس بود و خوش مشرب. او علاقه مند بود راجع به جزئیات ساعتها با کارگران و دهقانان صحبت کند. حتی دشمنان ما مجذوب لنین بودند. هیچ کسی مثل او بشریت را نمی شناخت و اتفاقاً همین خصیصه، بزرگترین مشخصهٔ شهادت انقلابی او بود.

روح لنین را در کالبد حزب زنده نگه داریم

لنین درگذشت. اما ضمن رفتن از دنیا، او کار عظیم خود را به سرانجام رساند. او ساختار سوسیالیستی آینده را بنا نهاد. هر کدام از ما که در خانهٔ حزب کمونیست بزرگ شده ایم، دست هدایتگر لنین را حس می کنیم. اگر بتوانیم روح لنین را در کالبد حزب زنده نگه داریم، می توانیم سوسیالیسم را بسازیم. اکنون کار ما سهل و آسان است. ما قطبنمای حزبی مطمئن و آزموده شده در دست داریم و راه را می شناسیم.

لنین به ما آموخت:

برای این که سرمایه داری وحشی نتواند کارگران و دهقانان بیشتری را میدان نبرد از پا بیندازد، به پیش و به پیش! ما لنینسم را بر پایهٔ ارثیهٔ او بنا می کنیم. تنها یک راه ما را به آینده می برد: آموختن لنینیسم.

با الهام از رهبرمان در این راه گام بر داریم و از اعماق وجودمان به تمامی مظاهر بردگی و تحقیر انسان نفرت بورزیم.

منبع:

سخنرانی در باشگاه آزاد سازمان حزبی باکو

۲۲ اپریل سال ۱۹۲۴

<http://www.politpros.com/library/12/419/>

۲۶ مهر - میزان ۱۳۹۳